

دزدان سابقه دار زیر آتش صبحگاهی پلیس

سجاد پور از دزدان سابقه داری که برای فرار از چنگ قانون به وحشت آفرینی در خیابان‌های مشهد ادامه می دادند هدف شلیک های صبحگاهی پلیس قرار گرفتند و یکی از آنان مجروح شد . به گزارش اختصاصی خراسان، ماموران کلانتری آبکوه مشهد هنگام گشت‌زنی بامدادی در حوزه استحفاظی به سرنشینان یک

دستگاه پراید هاچ بک مشکوک شدند که در خیابان رسالت ۳۵ در حال تردد بود. استعلام غیرمحسوس شماره پلاک پراید مشخص کرد که خودروی مذکور سرقتی است بنابراین نیروهای انتظامی بی درنگ وار عمل شدندوبه راننده آن فرمان ایست دادند اماراننده برای فرار از چنگ قانون پدال گاز را فشر دو به تیراندازی

گروه حوادث /یکی از ترسناک ترین جنایت های سال باطرح عدپلیس فاش شدوقاتل دختر فراری پرده از اقدامات شیطانی اش برداشت .ماجرای هولناک سرنوشت دختران جوان در خانه وحشت که بیشتر شبیه فیلم های هالیوودی است! به گزارش خراسان، دوروز پیش بود که رسانه هاز کشف جسدی ناپلون پیچ شده و ۲ دختر حبس شده در خانه ای در یکی از مناطق مر کزی تهران خبر دادند. حالا اما جزئیات بیشتری از این ماجرا مشخص شده است. رئیس پلیس تهران دیروز در حاشیه مرحله ۵۱ طرح رد، درباره بازداشت یک قاتل که دو زن ادر یک منزل محبوس کرده یک دختر ا به قتل رسانده بود، گفت: برادر و خواهری را در این پرونده بازداشت کردیم، در مرحله نخست باطن این که این افراد دختران را اغفال می کنند، به موضوع وارد شدیم و مأموران پس از ورود به منزل متوجه صحت موضوع شدندو دیدند خواهر پس از اغفال دختران، آن ها را به منزل خودشان می بردو سپس اموال آن ها را سرقت می کردند. به گزارش مهر، سردار حسین رحیمی بابیان این که برادر، دختران را مورد تعرض قرار می داد، افزود: این متهمان در یک مور دیگری از دختران را به قتل رسانده بودندو جسدوی مدت ها در این منزل بود. همچنین یک دختر خامه را به صورت عریان در یک کمد محبوس کرده بودندو به نظر می رسد موارد دیگری در این پرونده در باز اغفال دختران وجود داشته باشد.

■ **کشف خانه وحشت توسط پلیس**

همچنین به گزارش ر کنا و همشهری، ساعت ۶ عصر دوشنبه ۱۵ آذر ماه ماموران کلانتری ۱۱۲ ابوسعیدر راستای اجرای طرح عدپلیس باتوجه به این که اطلاعاتی از پاتوقی مر موز در خیابان خرمشهر محله کمیل به ستاورد ه بودند، عملیات بررسی از این پاتوق را با هماهنگی مقام قضایی به اجرا گذاشتند. ماموران کلانتری وقتی پای در این پاتوق مر موز گذاشتند با مرد میان سالی که در خانه حضور داشت، روبه رو شدندو سپس به بازرسی خانه پرداخته که با جسد یک دختر جوان که داخل ۲۱ کیسه زباله بسته بندی شده بود، مواجه شدندو در ادامه با یک دختر ۲۰ ساله که داخل کمد دیواری و یک دختر ۲۱ ساله که در اتاق زندانی شده بودند، روبه رو شدند. همین کافی بود تا بازرس وهایی از شعبه ۲ دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای تحقیق پای در صحنه جرم بگذارند. ۲ دختر جوان که یکی از آن ها ۳۱ سال و دیگری ۸ ماه قبل، پس از فرار از خانه شان، در چنگال مرد شیطان صفت که سعید نام دار در گرفتار شدند. ۲ دختر جوان که از مرد شیطان صفت می ترسیدند، ادعا کردند که سعید وقتی متوجه فراریکی از دختران محبوس از خانه می شود، اورا

مسافر پیدا می کرده و زمانی که با دختران فراری روبه روی شد با این بهانه که به دختران مجرد اتاق نمی دهند، با چرب زبانی آن ها را برای نیت شوم خود به مخفیگاهش در خیابان خرمشهر کشانده است.

دختر جوان که به قتل رسیده روز جنایت که ۴ ماه قبل بوده تصمیم به فرار گرفته که عامل جنایت با اطلاع از نیت دختر جوان وزمانی که خواهرش نیز در این پاتوق شیطانی حضور داشته پایپ گوستی، دختر جوان را به قتل می رساندو برای این که راز این جنایت پنهان بماند جسد را در خانه و داخل کیسه های زباله نگهداری می کند.

■ **احتمال سریالی بودن قتل دختران فراری**

باتوجه به این که چندی قبل و در ماه های گذشته جسد ۲ دختر در خیابان کاشانی و یکی از خیابان های نزدیک محل زندگی سعید پیدا شده

در حالی که در این دو مورد هیچ مدرکی یافت نشد.

حوادث

هوایی نیروهای گشت نیز توجهی نکرد. بدین ترتیب عملیات تعقیب و گریز آغاز شد تا این که پراید سواران با موانع سنگی در خیابان شهید فرامرز عباسی برخورد کردند. در حالی که یکی از متهمان تحت تعقیب در این حادثه مجروح شده بود دو همدست دیگر وی خودرو را رها کردند و پای پیاده به سمت بولوار جانباز

گریختند. در این هنگام نیروهای انتظامی بعداز شلیک های هوایی و دادن اخطارهای قانونی به ناچار پای یکی از دزدان فراری را هذف گرفتندو در تیراندازی صبحگاهی اورا مجروح کردند. در همین حال همدست دیگر وی نیز در محاصره پلیس قرار گرفت و تسلیم قانون شد. گزارش خراسان حاکی است، با صدور دستورات ویژه ای از سوی سر هنگ حسین دهقان پور (فرمانده انتظامی مشهد) سارقان مجروح بلافاصله به مرکز درمانی انتقال

یافتند و مورد مداوا قرار گرفتند. در بازرسی از خودروی پراید نیز تعداد ۵ حلقه رینگ و لاستیک، باتری، جک، ابزار آلات و کیف حاوی اسناد و مدارک و کارت های بانکی سرقتی کشف شدو این گونه بررسی های دقیق درباره اعضای این باند ادامه یافت. ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که سه سارق ۳۵،۳۲ و ۳۹ ساله از دزدان سابقه دار هستند که سوابق متعدد کیفری دارند . بررسی های پلیس از صبح روز گذشته در این باره آغاز شده است.

جزئیات هولناک خانه وحشت

مرد شیطان صفت که با کمک خواهرش دختران فراری را به خانه وحشت می کشاند یکی از آن ها را ۳۱ سال و دیگری را ۸ ماه در کمد حبس کرده بود



عکس ها هشتمی

دختری که جسدش داخل اتاق خواب پیدا شده بود، نیز گفت: این دختر حدود ۴ ماه قبل توسط سعیدو خواهرش به قتل رسید. حدود ۲۵ روز بود که سعید اورا به خانه آورده بودو آن طور که متوجه شدم با او هم مثل من در حوالی میدان راه آهن آشنا شدهو چون آن دختر جایی نداشته، سعیدوی را به خانه اش بردو آن دختر جوان را تا ماشینش بردنانی بودتا این که ۴ ماه پیش تصمیم گرفت فرار کند. من همه این وقایع را زمانی که داخل کمد زندانی بودم شنیدم و صحنه قتل را ندیدم. آن روز دختر زندانی می گفت قصد رفتن دارا اما سعید مانع شده و اجازه رفتن به او نداده است. بر سر این مسئله با یکدیگر در گیر شدند، دختر جوان فریاد می کشیدو می گفت در راباز کن اما سعید اورا هل می دادو به این طرفو آن طرف پرت می کرد. بعد از ترس این که همسایه ها متوجه ماجرا شوند، از خواهرش خواست تایپچ گوستی به او بدهد. فکر می کنم بعد از آن خواهرش به او پیچ گوستی داد و سعید هم با او ضربه ای به دختر جوان زد اورا را به قتل رساند. چون پس از آن دیگر صدا بی از آن دختر نشنیدم. پس از جنایت هم دور جسد اوناپلون پیچیدند و کتا اتاق گذاشتند. آن طور که متوجه شدم سعید و خواهرش می ترسیدند جسد را به بیرون از خانه منتقل کنندمیداد همسایه ها متوجه شوند. به همین دلیل هر از گاهی سعید با خودش ناپلونی می آورد و در جسد می پیچید و پنجره ها را با می گذاشت تا متعفن نشود.

زندگی کنار جنازه

بعد از تحقیق از دختری که در کمد زندانی شده بود، نوبت به دختر دیگر رسید که به گفته خودش ۳ سال در خانه سعید زندانی بود. او گفت: من در نزدیکی مسافر خانه با سعید آشنا شدم و فکر می کردم که آن مرد قرار است به من پناه بدهد اما او در خانه اش زندانی ام کرده بود و اجازه خروج نمی داد. هم خودش از من بیگاری می کشیدو هم خواهرش من هم جرئت نمی کردم از ترس چیزی بگویم. البته بیرون از این جا هم کسی رانداشتمو خانواده ام مرا طرد کرده بودند. وی ادامه داد: در مدت ۳ سالی که در خانه سعید زندانی شده بودم، دوسه دختر دیگر را هم دیدم که یکی از آن ها بعد از مدتی از پنجره فرار کرد و دو نفر دیگر هم ظاهرا خانواده هایشان ر دشان رازده بودند و برای همین رفتند. درباره مقتول هم چیز زیادی نمی دانم. هنوز یک ماه نشده بود که به خانه سعید آمدم. بود که در درگیری به دست او به قتل رسید. این دختری خواست برود اما سعید به او اجازه نداد و با همدستی خواهرش اورا به قتل رساندند. من حدود ۴ ماه با جسد آن دختر زندگی می کردم تا این که ماموران اورا خانه شدند.

را در چندین لایه پلاستیک پیچیده بود تا هیچ بویی خارج نشود. درباره ۲ دختری که در آن جا زندانی شده بودند هم ما هیچ صدا بی از آن ها نشنیدیم. فقط وقتی مأموران آن ها را پیدا کردند دیدم که خیلی بی حال بودند. به قدری که حتی نمی توانستند راه بروند و همسایه ها مقدار ی غذابه ۲ دختر بینو اداند تا بتوانند خودشان را تا ماشین پلیس برسانند. «تحقیقات اولیه از ۲ دختری که در خانه سعید زندانی شده بودند، نشان می دهد که او برای فریب آن ها خودش را مأمور پلیس معرفی می کرده است.

■ **ناگفته های ۲ دختر فراری از خانه وحشت**

یکی از آن ها می گفت که ساکن شهری در اطراف تهر ان بوده و دیگری در یکی از مناطق پایتخت زندگی می کرده است. یکی از آن ها به دلیل اختلافاتی که با خانواده اش داشته حدود ۸ ماه قبل از خانه پدرش فرار کرده و از همان زمان در خانه سعید زندانی شده و در کمد نگهداری می شده است. دیگری نیز حدود ۲ سال قبل از خانه فرار کرده بود و او هم در این مدت در خانه سعید

زندانی بود و اجازه خروج نداشت. این دختران می گفتند که سعید آن ها را شکنجه می داده و به آن هاتجاوز می کرده است. دختری که در کمد زندانی بوده به ماموران گفت: به دلیل اختلافاتی که با پدرم داشتم، او مرا از خانه بیرون انداخت. من هم شب ها در پارک می خوابیدم تا این که یک روز در حوالی میدان راه آهن و در نزدیکی یک مسافر خانه با سعید آشنا شدم. او مدعی شد، سر هفک نیروی انتظامی است و وقتی دیدد از خانه فراری شدم و جایی برای زندگی ندارم مرا به خانه اش دعوت کرد. وی ادامه داد: پیشنها د اورا پذیرفتم غافل از سرنوستی که

در کمینم بود. مرد جوان مرا به خانه اش آورد و در این ۸ ماه در کمد زندانی بودم و هر از گاهی سعید اجازه می داد که کمد خارج شوم. حتی مجبور بودم در کمد غذا بخورم و فقط برای رفتن به سرویس بهداشتی از کمد خارج می شدم. وی گفت: سعید با خواهرش زندگی می کرد و روزی که مرا به خانه اش آورد به جز من دختران فراری دیگری هم این جا حضور داشتند. من فکر می کردم قرار است سعید به من پناه بدهد غافل از این که او بیمار روانی بود و آرام می داد. در این مدت هر وقت عصبانی می شدم امور دضرب و جرح قرار می دادو با تهدید به من تجاوز می کرد. دختر جوان درباره جزئیات قتل

است، احتمال می رود که این دختران نیز به دست این جوان شیطانی صفت به قتل رسیده اند و او یک قاتل سریالی باشد. بنا بر این گزارش، بازررس وهایی از شعبه ۲ دادسرای امور جنایی تهران دستور داد تا متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گیرد و تجسس های پلیسی در این پرونده جنایی ادامه دارد. هر چند سعید در او لین اعترافاش قتل این دختر را تکذیب کرده و مدعی است او به دست دیگر دختران حاضر در خانه به قتل رسیده است.

■ **ناگفته های همسایه ها از خانه وحشت**

آن طور که همسایه ها می گویند رفت و آمدهای زیادی به خانه سعید می شد. یکی دیگر از آن ها می گوید: «گاهی صداهایی که از خانه سعید بیرون می آمد زیاد بود و به نظر می رسید جز خودش و خواهرش چند نفر دیگر هم در آن جا هستند. یک مرتبه حتی من صدای زنی همراه با دختر خردسالش را شنیدم. سعید با مادر بچه دعوایش شده بود و کمک کاری می کردند. زن فریاد می زد و کمک می خواست. من با پلیس تماس گرفتمو خبر دادم اما هیچ کس نیامد. «آن طور که اومی گوید حتی یک مرتبه اتفاق عجیب و غریبی در آن جا افتاده است. اومی گوید: «یک بار صدای افتادن چیزی در حیاط را شنیدیم و همه همسایه ها جمع شدیم. دختری با سرو وضع نامناسب از پنجره خانه سعید اوپزان شده و خودش را به حیاط انداخته بود. او شرابا جسمی و روحی خوبی نداشت و



نمایی از خانه وحشت ۵۰ متری

می گفت سعید اورا چندین روز در خانه اش زندانی کرده اما دیگر طاقت نیاورد و تصمیم گرفته برای نجات خودش از پنجره بیرون بپرد. «این حادثه اما مدتی قبل هم اتفاق افتاده بود. یکی از همسایه های قدیمی که سال هاست در آن کمد زندگی می کند هم حادثه مشابهی را به یاد دارد. اومی گوید: «چند سال قبل هم دختری جوان از پنجره اتاق خانه سعید از یک چادر اوپزان شد و وقتی به حیاط خانه رسید، با عجله از آن جا فرار کرد.»

۴ ماه بی خبر از یک جسد

آن طور که برآوردهای اولیه متخصصان پزشکی قانونی نشان می دهد، دست کم ۴ ماه از قتل دختری که جسدش در خانه وحشت کشف شده، می گذرد اما چطور در این مدت هیچ کدام از همسایه ها متوجه وجود این جنازه و بوی تعفن آن نشده اند؟ یکی از آن ها می گوید: «نمی دانم رفت و آمدها به خانه او چه زمانی انجام می شد که ما هیچ کس را نمی دیدیم. ما فقط صداهایی را که از خانه بیرون می آمد، می شنیدیم. وقتی فهمیدیم که پلیس در خانه سعید جنازه کشف کرده، خودمان هم شو که شدیم. چون تا آن زمان هیچ بویی در ساختمان نمی آمد. آن طور که شنیدیم، او جسد



از بیمارستان ترخیص شدند. همچنین به دنبال این حادثه وزیر آموزش و پرورش پیام تسلیتی صادر کرد و دستگاه قضایی دستور رسیدگی فوری به حادثه و عوامل دخیل در آن را داد.

مرگ در مه؛ سرنوشت تلخ ۲ دانش آموز کرمانشاهی

حادثه به جان باختن ۲ نفر از دانش آموزان انجامید و ۱۶ دانش آموز دیگر را راهی بیمارستان طالقانی شهر کرمانشاه کرد. به گفته مدیر کل آموزش و پرورش کرمانشاه این کودکان متعلق به چند روستا هستند که هر روز توسط یک مینی بوس جمع و به مدرسه ای در ماهدشت منتقل می شدند. معید یزدان پناه افزود: قطعا ضایعه فوت ۲ نفر از دانش آموزان قابل جبران نیست اما ما هر آن چه در توان داریم برای درمان کودکان آسیب دیده به کار

مه صبحگاهی تنها چند ساعت پس از به وجد آوردن دانش آموزان بخش ماهدشت کرمانشاه، جان ۲ نفر از آنان را در مسیر مدرسه گرفت و ۱۶ نفر دیگر را راهی بیمارستان کرد. به گزارش ایرنا، مینی بوسی که صبح دیروز تعدادی از دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول ساکن روستاهای بخش ماهدشت را برای رساندن به مدرسه سوار کرده بود، به دلیل مه آلود بودن جاده در محور هلشی به ماهدشت از پشت با خودروی سنگینی برخورد کرد که این



در امتداد تاریکی

باز پیچه هوس

زمانی فهمیدم فریب یک زن طماع را خورده ام که دیگر خیلی دیر شده بود تا جایی که آرزوی ازدواج و زندگی مشترک با آن زن جوان در دلم ماند و از سوی دیگر نیز همسر مرا از خود راند و محبتش را از من دریغ کرد چرا که... به گزارش خراسان، این ها بخشی از اظهارات مرد ۴۵ ساله ای است که برای اعلام شکایت از یک زن جوان وارد کلانتری سجاد مشهد شده بود. این مرد که ادعا می کرد زن غریبه ای او را فریب داده و اموالش را به سرقت برده است، درباره این ماجرای تاسف بار به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: تابستان سال گذشته بود که با "شیم" در محل کارم آشنا شدم. او برای انجام کاری وارد اداره شد اما ماسک بهداشتی به همراه نداشت آن روز من چند عدد ماسک در اختیار او گذاشتم و کمک کردم تا کارهای اداری اش زودتر انجام شودو بعد از این ماجرا بود که روابط نادرستی بین ما شکل گرفت. تعاملات هر روز به مادر حالی ادامه یافت که مسائل اخلاقی و شرعی را نادیده گرفته بودم. شیم ا مدعی بوده به خاطر اختلافات شدید و نداشتن تفاهم اخلاقی از شوهرش طلاق گرفته است به همین دلیل ارتباط تلفنی و دیدارهای حضوری ما هر روز بیشتر می شد تا جایی که برای آغاز زندگی مشترک با شیم لحظه شماری می کردم، همسرم و فرزند نامم را از یاد برده بودم و به چیزی جز ازدواج با شیم ا نمی اندیشیدم. در این میان همسرم متوجه ماجرا شد و مشاجره ای طولانی بین ما شکل گرفت. اما همسرم خوب می دانست که من دل باخته شیم ا شدم و فریادو گریه هایش هیچ تاثیری نخواهد داشت. او به ناچار در حالی که اشک می ریخت این ارتباط هوس آلود را پذیرفت و سکوت کرد تا سرپناه خود و فرزندانش را از دست ندهد ولی دیگر از عاطفه و محبت های سال های گذشته خبری نبود و او به یک زندگی خالی از مهر و عطف و ادامه می داد از سوی دیگر من سر خوش از لذت های زودگذر دنیوی بودم و اوقات خوشم را با شیم ا می گذراندم چرا که آغاز زندگی مشترک با شیم ا به رویایی دلنشین برایم تبدیل شده بود. بیشتر اوقات را در خارج از منزل مشغول خرید لوازم گر آن قیمت بودیم تا زودتر ازدواج کنیم. یخچال، مبل، ماشین لباس شویی و... از جمله هدیهایی بود که انجام می دادم. اما یک روز شیم ا تا رفتن ی خاص مرا به بازار طلا فروشان کشاند و در خواست کرد تا برایش سرویس کامل طلا بخرم. وقتی دیدم هزینه سرویسی که او در خواست می کند مبلغ هنگفتی است به او گفتم بهتر است اول عقد کنیم و بعد طلا بخریم ولی ناگهان شیم ا کوره در رفت و در همان مرکز خرید شروع به سرو صدا و توهین کرد. گنج شده بودم و منظورش را از این رفتار نادرست نمی فهمیدم. شیم ا با همان حالت عصبانیت سوار خودرو شد تا اورا به منزل شان برسانم. وقتی آن جار سیدیم من هم عصبانی شدم و به مشاجره با او پرداختم در همین هنگام برادر شیم ا را زده رسید و ماجرا را جویا شد. شیم ا هم با پرورپی تمام مرا برای مزاحم خواند که مدتی است برایش ایجاد مزاحمت می کنم و دست از سرش بر نمی دارم. برادر شیم ا هم با شنیدن این حرف ها یقه مرا گرفت و به دیوار کوبید اوتا جایی که می خوردم کتکم ز دوسپس گفت اگر یک بار دیگر مزاحم خواهرم بشوی شوهرش را سرت می فرستم. با شنیدن این جمله در دهایم را فراموش کردم و در جاکشکم زد. شیم ا به هسرش اختلاف داشت اما هنوز طلاق نگرفته بود. او با این ترفتد مرا باز پیچه خودش قرار داده و همه داری ام را بالا کشید بود. خلاصه به کلانتری آمدم تا از او برادرش شکایت کنم. حالا همه در حالی که توانستم به آرزوی ازدواج با شیم ا برسم و برایم تمام شد اما از سوی دیگر همسر مرا بم را از دست داده ام و او هم فقط مرا مردی هوسران می شناسد که عاطفه و انسانیت را از یاد برده ام و... گزارش خراسان حاکی است، به دستور سرهنگ بیژن شهنشیری (رئیس کلانتری سجاد) پرونده این مرد جوان توسط مشاوران زنده دایره مددکاری اجتماعی کلانتری مورد بررسی قضایی و کتکاش های روان شناختی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

دعوت برای شرکت در مناقصه عمومی معاونت عمرانی فنی و عمران

بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس رضوی

معاونت فنی و عمرانی بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس رضوی در نظر دارد مناقصه تهیه و اجرای تاسیسات الکتریکی و مکانیکی آشپزخانه مرکزی آستان قدس رضوی را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای واگذار نماید. لذا متقاضیانی که حداقل رتبه ۲ تاسیسات و تجهیزات را دارا می باشند، میتوانند جهت دریافت اسناد مناقصه حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۳ به دبیرخانه معاونت عمرانی آستان قدس به نشانی مشهد، چهارراه شهدا، سازمان مرکزی آستان قدس رضوی، معاونت عمرانی مراجعه یا به شماره تلفن ۰۵۱-۳۲۰۰۱۱۲۶ تماس حاصل نمایند. ضمنا هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها برعهده برنده نهایی مناقصه خواهد بود.